

متن پرسش

سؤال ۱۹: ما قبول داریم که امام خمینی حکومتی بنا نهادند که دیگران خیلی که هنرکنند، باید آن حکومت را خوب حفظ کنند. و شاید اگر حضرت امام نبود، هیچ عالم دیگری نمی‌توانست چنین کاری کند؛ خصوصاً که آن انقلاب و سیره‌ی امام در شکست‌دادن حکومت پهلوی از طریق به صحنه آوردن مردم با دست خالی و شهیدشدن آنها، بر خلاف عقل انسان‌های عادی، بلکه بر خلاف عقل اندیشمندان و عرفایی مثل شهیدمطهری و علامه طباطبائی بود، تا آنجا که آیت‌الله میانجی گفته‌بود: «امام خمینی به سیره‌ی عقلا عمل نمی‌کند.»! البته الآن که انقلاب پیروز شده، ما همه بسادگی می‌پذیریم که آن استراتژی عاقلانه بوده. پس شاید بتوان گفت که حضرت امام در شکست‌دادن حکومت شاه، عقلی فوق حتی عقل علما و عرفا و فلاسفه و مفسرین داشته‌است. آری، ما قبول داریم که این انقلاب، بدون امام خمینی پیروز نمی‌شد. اما بحث بر سر این مطلب است که ما می‌خواهیم از طریق استدلالی عقلی که در صفحه ۴۶ آمده، مقامی خاص را برای حضرت امام حتی در این زمان (بعد از رحلت‌شان) هم ثابت کنیم! لب استدلال شما در دلیل سوم این جمله است: «خداوند به همان دلیل که پیامبر فرستاد و امامان را پرورش داد، در زمان غیبت امام زمان، فقیهی که بتواند جامعه را درست هدایت کند می‌پروراند.» طبق این استدلال، مصداق این استدلال در زمان حاضر باید فرد زنده‌ای باشد. پس این استدلال، نه تنها این مقام را برای حضرت امام در این دوران اثبات نمی‌کند، بلکه نفی هم می‌کند!

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: لازمه‌ی هدایت الهی در زمان غیبت امام زمان «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» فقه و فقهایی است که الفبای حیات دینی در زمان غیبت را در زمانی تدوین کند، حال در یک زمان شیخ طوسی این کار را می‌کند و سال‌ها آن فقاقت جوا بگوست، و یک زمان صاحب جواهر به میدان می‌آید و فقه جواهری را شکل می‌دهد و با این‌که او رحلت می‌کند ولی سیره‌ی او زنده است و در دوران معاصر که نظام سیاسی جهان شکل خاص به‌خود گرفت خداوند حضرت امام «رضوان‌الله‌تعالی» را پروراند که سال‌ها پس از رحلت او سیره‌ی او در صحنه خواهد ماند، پس از آن برهان لازم نمی‌آید نظر به شخص خاصی که زنده است بکنیم. عمده سنت پرورش فقیهی است که الفبای حیات دینی در زمان غیبت را تدوین کند، سایر فقها سال‌ها باید بر اساس آن الفبا و در آن جاده حرکت کنند. موفق باشید